

فصل فی تفسیر حدیث
 در بیان این حدیث که هر که در راه خدا کشته شود خداوند او را صد بار عفو می‌کند و هر که در راه خدا کشته شود خداوند او را صد بار عفو می‌کند و هر که در راه خدا کشته شود خداوند او را صد بار عفو می‌کند
 محمد حسین بهر روز

قضا و قدر در ادبیات فارسی

بحث قضا و قدر در عقیدت جبر و اختیار از نظر فلسفه اسلامی موضوعیست بس عمیق و قابل تأمل، چه از دوره‌های اول اسلام این موضوع طرف توجه علمای و محققین بوده فرق دو دسته‌های مختلف درین مورد آثاری نوشته (*) و نظریاتی

- (*) علاقمندان محترم میتوانند درین مورد آثار ذیل را ملاحظه کنند:
- ۱- القضا والقدر اثر ابو سعید محمد بن بصری بن ابی الدین میسنائی (بصره رجب ۱۱۰) ص ۳۱۶ بخش اول جلد سوم فهرست مشکوٰۃ.
 - ۲- رساله القضا والقدر ابن سینا (فهرست نسخه‌های مصنفات ابن سینا تا لیف یحیی مهدوی ص ۱۹۷ شماره ۱۰۰ و ص ۳۴۸ فهرست نسخ خطی دانشکده ادبیات تهران).
 - ۳- کتاب ملل و نحل شهر ستا نسی طبع تهران.
 - ۴- قضا و قدر شیخ نصیر الدین طوسی (۵۹۷-۶۷۲).
 - ۵- رساله ملل و نحل ابوالقاسم بن محمد رازی (نسخه خطی کتابخانه نگارنده).
 - ۶- قضا و قدر در حلای شیرازی که در سال ۱۳۰۲ در مجموعه رسایل وی در تهران طبع شده است (ص ۳۱۸ جلد سوم فهرست مشکوٰۃ).
 - ۷- رساله معرفه المذاهب محمود طاهر غزالی (ازین کتاب دو نسخه خطی در کتابخانه نگارنده موجود میباشد).
 - ۸- رساله هفتاد و سه فرقه محمد بازسا (نسخه خطی کتابخانه نگارنده).
 - ۹- قضا و قدر ابو محمد بن عنایت الله مشهور به با یزید بسطامی که در سال ۱۰۱۱ آنرا اکمال کرده است (ص ۳۱۸ فهرست مشکوٰۃ).
 - ۱۰- فصول جبر و اختیار و قضا و قدر در کتاب شاهد صادق (متوفی ۱۰۶۱ ص ۵۹۴ و ۵۹۵ جلد دوم فهرست مشکوٰۃ).
 - ۱۱- رساله عقیده المسلمین فی اصول دین از محمد بن علی بن محمود حلوانی (نسخه خطی کتابخانه نگارنده).
 - ۱۲- تذکرة المذاهب (نسخه خطی نگارنده).

بمیان آورده اند و مذاکرات و مناظره‌هایی نموده‌اند. همین وتیره این موضوع نزد علماء و فلاسفه اروپا و ممالک غربی نیز طرف توجه بوده نظر باقی در موضوع فلسفه جبر و اختیار از خود بیاد گار گذاشته‌اند که باندک تغییر عین موضوع قضا و قدر را ارائه می‌کند.

علماء و مفکرین اسلام بیشتر این موضوع را از لحاظ جنبه‌های مذهبی و عقیده‌ی نگریسته‌گو شیده‌اند محسوسات و آنچه را خود از نظر طرز تفکر و ادراک عقیدوی فهمیده‌اند برشته تحریر بیاورند و نظر خود را تعمیم دهند در حالیکه علمای غربی مخصوصاً درین اواخر مفکرین روشن بین، این موضوع را از نظر اجتماع و مواد نفع و ضرر جامعه مد نظر داشته‌سیر این فکر را مطلقاً اختیاری و عبور از جبر به اختیار زاد درک ضرورت‌های اجزای میدانند و توصیه می‌کنند که بابت اولتر از همه برای گذشتن از جبر به اختیار قوانین ضرورت یعنی جبر را درک کرده و بتوان از ضرورت با آزادی یعنی از جبر به اختیار رسید (۱)، بهر حال چون موضوع بحث ما ملاحظه قضا و قدر در ادبیات فارسی است نه تحقیق موضوعات فلسفی آن لذا موضوع ظهور مثنوی‌های قضا و قدر در ادبیات فارسی ملاحظه نموده بعداً یکماده ازین مثنوی‌ها را که پس از مدت هاتجسس جمع آوری گردیده است با گویندگان آنها معرفی می‌کنیم:

شعرای فارسی زبان نظر به طرز تلقی و عقیده خویش گاهی با اساس معلومات مذهبی و عقیدوی

- ۱۳- مکتوب دو بیت و هشتاد و نهم مکتوبات امام ربانی
- ۱۴- رساله قضا و قدر سید جمال الدین افغانی بزبان عربی طبع مصر و ترجمه فارسی آن طبع تهران.
- ۱۵- ملل و نعل اصفهانی بزبان عربی (نسخه خطی دکتور عبدالصمد حامد).
- ۱۶- رساله ملل و نعل ابو نصر پیر محمد بن قطب شاه الالاد همی البهاری.
- ۱۷- فصول جبریه - قدریه و غیره اسلام انسای کلو پیدی.
- ۱۸- کتاب معتقدالامامیه طبع تهران فصل قضا و قدر.
- ۱۹- همچنین است کتب بیان الادیان - تبصرة العوام و مختصر الفرق.
- (۱) آثار و نوشته‌های لویی اراگون شاعر و نویسنده فرانسوی.

این مسأله را مد نظر داشته در موضوع جبر و اختیار تماماً و با اینکه غیر مستقیم در تحت تأثیر معلومات دینی خویش اشعار و بیانی سروده (۱) نظر خود را مستقیماً ابراز و یا از کنار موضوع گذشته آنرا قابل درک تصور کرده اند (۲)

(۱) این چند بیت مثنوی حضرت مولانا جلال الدین بلخی را ذیلاً درج کردیم :

گر ز سقف خانه چو بی بپاشند
 هیچ خشمی آیدت بر چوب سقف ؟
 هر تو افتد سخت مچر و حت کند
 هیچ اندر کین او با شی تو وقف
 ور بیاید سیل و رخت را برد
 هیچ با سیل آوری کین خرد ؟
 گر بیامد باد و دستار بر تو
 کی ترا با باد دل خشمی نمود
 خشم در تو شد بیان اختیار
 تا نگویی جبر یا نه اعتبار
 همچنین است درین بیت :

اینکه فردا آن کنم یا این کنم
 این دلیل اختیار است ای صنم
 و یا درین ابیات :

گر شتر بان اشتری را میزند
 آن شتر قصد زنده میکند
 خشم اشتر نیست بر آن چوب او
 پس ز مختاری شتر برده است بو
 عقل حیوانی چو دانست اختیار
 همین مگوای عقل انسان شرم دار
 مولانا حسین واعظ کاشفی در باب مثنوی در رساله دوم ابیاتی در موضوع جبر و اختیار انتخاب کرده است .

این چند بیت از آنجاست :

جمله عالم مقدر کرده
 امر و نهی این بیار و آن میار
 جبر پیش گوید که امر و نهی لایست
 اختیار بی اختیار است
 در خرد جبر از قهر و امر است
 اختیار بی اختیار است
 از کس که میاید کس بیاید
 از کس که میاید کس بیاید
 امر و نهی و خشم و تشریف و عتاب
 امر و نهی و خشم و تشریف و عتاب
 نیست جز مختار را ای پاک جیب
 نیست جز مختار را ای پاک جیب

برای معلومات بیشتر بهمین رساله لب لباب مثنوی مراجعه شود .

(۲) محمد غزالی در یک رباعی خود درین مورد چنین اظهار میکند ، (ص ۵۴۲ ج ۱ مجمع الفصحاء) :

کس را پس پرده قضا راه نشد
 وز سر قدر هیچکس آگساشد
 هر کس ز سر قیاس چیز می گفتند
 معلوم نکشت و قصه کوتاهاش

همچنین صاحب مثنوی خوان بغما مولوی و کیل احمد سکندر پوری عاجز تخلص *

ولی آنچه بصورت آثار مستقل در موضوع قضا و قدر بمیدان آمده است عبارت از مثنوی‌ها بی است که تحت همین عنوان برای اظهار عقیده معین در دوره های اخیر مخصوصاً در قرن یازدهم هجری بیشتر در هند ظهور کرده در يك بحر معین عروضی (هزج مسدس : مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل) سروده شده است .

اینقدر باید توضیح کرد که بنظر نگارنده شعری که داستانهایی در قضا و قدر نظم کرده اند اصلاً محتمل است از لحاظ عقیده جبر و اختیار - قدری مطلق و اختیاری کامل نبوده اند اغلب چنین بوده است که محض خواسته اند بصورت تفننی و قریحه آزمایی برای اینکه اثری درین زمینه بنظم آورده باشند باینکار دست زده اند . پس ازین جهت بصورت قطعی به جبری و قدری بودن آنان نمیشود حکم کرد .

مثنوی سرایی یا شعر روایی که در ادب فارسی قدامت کلی دارد و از دوره های اول نظم فارسی متداول بوده و آثار شناخته زیاده معروف نیز درین مورد موجود است (۱) . در جمله اصناف شعر نسبت به قصیده - غزل - قطعه ، رباعی - و غیره که برای مفاهیم معین و موضوعات مشخص مانند معاشقه و مغالزه - مدح و توهین و صیفا - پند و نصیحت و امثال آن هر يك از اینها بکار رفته است میدان وسیع تری داشته در سیر تکامل آن در دوره های مختلف مفاهیم علیحدده و موضوعات جدا گانه بیان و برآز شده ، در ساحت های مختلف استفاده های مختلف از آن گردیده است که بدین ترتیب

✽ در مقاله هفتم این مثنوی خود که به سلسله جبر و اختیار آنرا اختصاص داده است

و آنرا باین ابیات شروع می کند :

بسکه نیر تک است در آن در من کس نه فهمد رمزی از کردار من
اختیار در ما چون تسازی کنند سعی در جو لا تکهی بسازی کنند

نقش نیر تک که در کاری کشود پرده رخسار قدرت را نمود
شد که از تک قدرت آشکار شوق ما چو لای نمای اختیار

در نتیجه موضوع را چنین اختتام میدهد :

از خیال جبر جا ترا خون مکن و ز قدر بر اهل دل افسون مکن
نکته کسب عمل را در شناس کن ز مختاری و مجبوری هر اس
(س ۵۰ تا ۵۴ مثنوی خوان یغما طبع هند ، مطبعه مجتبیایی ، سال ۱۳۰۹ هـ .)

(۱) فصل شعر روایی شعر و ادب فارسی اثر مؤتمن (س ۱۳۷ تا ۱۴۰) و بحث شعر رومانیک تاریخ ادبیات (اتمه) ملاحظه شود .

میتوان موضوعات مثنوی سرایی را که شعر نقلیش نیز خوانده اند نظر به موضوعات بکه در مثنوی بکار رفته آنرا به قسمهای رزمی یا حماسی - بزمی یا عاشقی - عرفانی یا تصوفی - اخلاقی و نصایح و مواعظ مذهبی و عقیدوی - و ساقینامه ها و قضاو قد ها تقسیم کرد. برای مزید معلومات، میشود آثار آتی را از دسته های مختلف مثنوی نام برد. از مثنوی های رزمی یا حماسی (۱) شاهنامه رقیقی بلخی - شاهنامه فردوسی - گرشاسب نامه علی بن احمد الاسدی طوسی - شهریار نامه عثمان مختاری غزنوی - سامنامه - برزنامه جهانگیر نامه ، - (داستان پسر رستم برادر سهراب) فرامرزی نامه - باب و گهسب نامه بهمن نامه ، کوشنامه (شعراى این آثار همه مجهول الهویه اند) ظفر نامه حمد الله مستوفی - اسکندر نامه نظامی گنجوی - آیین - سکندری امیر خسرو بلخی - تیمور نامه هاتفی - قیصر نامه ادیب پشاورى (۲) - جارجمانه ملا فیروز بن کادوس و غیره است. بهمین اساس حماسه های دیگری هم در کارنامه های حضرت پیغمبر و خلفای راشدین و کارنامه های سلاطین اعصار قبل و بعد از چنگیز و اولاده اش و تیمور و دیگر سلاطین تیموری و مغولی و سلاطین صفوی و غیره موجود است که همه بشکل رزم نامه های ملی منظوم ساخته شده اند. در دو قرن اخیر افغانستان که مملکت طرف تاخت و تاز منخاصمانه انگلیس و روس نشانده گانش قرار گرفته بود نظر به روح آزادی خواهی و مبارزه علیه بیگانگان که از خصوصیات مردم کشور است برای تحریک و تنبیه ملت ، نملیه استعمار چین انگلیس ، حماسه های ملی وجود آمده است که اکثر در دسترس بوده طبع و نشر نیز گردیده اند (۳) مثلا کبر نامه - جنگنامه - محمود نامه (۴) و تحفة الجیب .

-
- (۱) برای مزید معلومات به بحث حماسه تاریخی کتاب تاریخ ادبیات دکتر هرمان (اته) جرمنی (ص ۵۵ تا ۶۷) و بحث حماسه و مفاخره کتاب شعر و ادب فارسی اثر زین العابدین مؤتمن (ص ۱۶۶ تا ۱۶۸) مراجعه شود .
- (۲) مقدمه دیوان ادیب پشاورى، طبع تهران .
- (۳) ازین چهار جلد کتاب دو جلد آن در کتابل به طبع رسیده است . و نسخه تحفة الجیب بصورت خطی در کتابخانه مطبوعات هست .
- (۴) شاعر این مثنوی ، نجم الدین ذاکر است ، نسخه خطی این اثر را نزد دوست عزیزم واحدی دیده ام .